



[www.bazr1384.com](http://www.bazr1384.com)

[www.bazr1384.blogfa.com](http://www.bazr1384.blogfa.com)

Email: [bazr1384@gmail.com](mailto:bazr1384@gmail.com)

## 16 آذر از نگاه مردم!

گزارش ارسالی برای نشریه دانشجویی بذر - شماره دو

از ساعت ده و نیم صبح روز 16 آذر تجمعات دانشجویی در دانشگاه ها شروع شده بود. در دانشگاه شریف خیابان آزادی و دانشکده دامپزشکی در بهبودی و دانشگاه فنی دانشگاه تهران صد ها نفر پشت درهای بسته دانشگاه جمع شده بودند و در بیرون ده ها نفر از یونیفورم پوش های نیروی انتظامی به حالت آماده باش ایستاده بودند.

ساعت یازده و نیم با اتوبوس از سمت میدان آزادی بعد از ایستگاه قریب به میدان انقلاب نزدیک که می شویم دو طرف خیابان ده ها نفر از نیروی انتظامی با سیر و کلاهخود آماده باش ایستاده اند جمعیت زیادی هم در پیاده روها در حرکتند و اکثراً تیپ دانشجو هستند. هر کس که شعاری می داد بلافاصله لباس شخصی های درون جمعیت با شوکر (باتوم برقی) به او حمله می کردند. کلیه خیابان های منتهی به خیابان انقلاب توسط گله های نیروی انتظامی بسته بود. علیرغم اینهمه تدابیر جمعیت رفته رفته در میدان انقلاب و چهار راه ولیعصر جمع شده و راهپیمایی کرده بود. تهران در این روز چهره يك شهر آشوب زده را داشت.

در مقابل درب اصلی دانشگاه تهران چندین بنر که روی آن شعارهایی مربوط به روز غدیر یعنی مال روز 15 آذر بود را طوری قرار داده بودند که درون دانشگاه دیده نشود. هر بنر حدود بیست متر در سه متر بود و بدون شك چند صد هزار تومان خرج چاپ و نایلونش شده بود. در جلوی سردر پشت درب اصلی دانشگاه حدود سی نفر نیروی انتظامی با کلاه کاسکت سفید رنگ بطور منظم ایستاده بودند تا مانع خروج دانشجویان از دانشگاه شوند. تعداد بسیار زیادی موتورهای ضد شورش که هر يك دو سرنشین داشتند و در کوله پشتی هایشان انواع سلاح ها را داشتند و چراغ هایشان را روشن کرده بودند هر از چند گاهی به طرف تجمعات پراکنده مردم حمله کرده و سعی می کردند که مردم را پراکنده کنند اما نمی توانستند. جمعیت آرام و بدون ترس به راهپیمایی ادامه می دادند. میدان انقلاب نیز مملو از جمعیت و همچنین انواع و اقسام نیروهای بسیجی و موتورهای روبروکاپ بود. پیرمردی که این صحنه را دیده بود می گفت که میلیونها تومان خرج این نیروهای سرکوب می کنند و بعد سهمیه بنزین خودروهای شخصی و عمومی را به بهانه تحریم نصف کرده اند.

در اتوبوس در قسمت زنان بحث داغی در گرفته بود دختر جوانی ادعا می کرد که فوق لیسانس است و می گفت که اینها که در تظاهرات شرکت می کنند عده ای بیکار هستند که برای عکس گرفتن و فرستادن آن برای بی بی سی و صدای آمریکا می آیند بیرون و شعاری می دهند و این در حالیست که مردم مشکلی ندارند و آنهایی هم که مشکل دارند به خاطر اینست که تلاش به حد کافی نمی کنند! اینها را با صدای بلند می گفت و بنظر بخش فرهنگی بسیج بود. زن میانسالی که کنارش ایستاده بود با خونسردی بهش گفت که صدات از جای گرم در می آید من کاری به تظاهرات ندارم اما بهت بگم که من فرهنگی هستم و بعد از سی سال خدمت سیصد تومان در ماه حقوق می گیرم چرا بایستی اینجوری باشی؟ من سه تا بچه دارم و کلی بایستی اجاره بدهم. زن دیگری بهش گفت که سه تا بچه دارد همه لیسانس دارند اما بیکارند و نمی توانند ازدواج کنند. دختر گفت که در همه جای دنیا شورشیان را سرکوب می کنند و دختری بهش جواب داد که هیچ کجا مردم را بخاطر اعتراض شکنجه و اعدام نمی کنند.

رفته رفته در قسمت مردها هم بحث در گرفت يك نفر به دختر گفت جیره خوار و پیرمردی می گفت البته تظاهرات فایده ای ندارد چون بجایی نمی رسد و رهبران بایستی از پائین بروند بالا نه از بالا به پائین، مرد دیگری نیز گفت که من طرفدار دولت نیستم اما اینها همشان مثل همدن همین کروبی خودش قبلا زندان داشت که یکی جواب داد که ما کلاً این حکومت را نمی خواهیم و خواهان جمهوری دمکراتیک هستیم.

در اتوبوس دیگری هم باز دو دختر بسیجی شروع به دفاع از حکومت کردند که فوری با اعتراض چند زن میانسال روبرو شدند زنی گفت که من زمان شاه هم سرکوب را دیدم اما اینها سرکوب شدیدتری می کنند. پسر جوانی هم می گفت که در روز سیزده آبان دوبار باتوم خورده و در تظاهرات هم نبوده و فقط از شرکت بیرون آمده برای خرید سیگار که موتوری ها با باتوم او را زده بودند. او به يك جوان ریز نقش ریشو که پیراهن سیاه داشت رو کرد و گفت که موقع بیرون رفتن نکند گرفتار تک تیر انداز بشویم با این محاسنت! پسرک با خجالت گفت نه!

حدود ساعت يك بر گشتم بسمت میدان آزادی دیدم که نرسیده به ایستگاه بهبودی سمت چپ در جلوی دانشگاهی دانشجویان زیادی به خیابان آمده اند و دست جمعی شعار "مرگ بر دیکتاتور" و شعارهای دیگر می داند. در دانشگاه

شریف هم جمعیت زیادی از دانشجویان پشت در دانشگاه جمع بودند و بنر بزرگی در دستشان بود که رویش نوشته بود که "حکومت به کفر می ماند اما به ظلم نمی ماند" و بیرون جلوی در تعداد زیادی نیروی انتظامی مانع بیرون آمدن آنها بودند.

بعد از ظهر حدود ساعت پنج دوباره از جلوی دانشگاه رد می شدم دیدم در میدان انقلاب و جلوی دانشگاه جمعیت چند برابر شده و جمعیت زیادی نیز در حال خروج از متروی میدان انقلاب بودند. تاریکی فرا رسیده بود و نیروهای انتظامی پراکنده در اطراف دانشگاه تهران خلیه‌هایشان نمی دانستند که چکار کنند چون مردم شعار نمی دادند و فقط راهپیمایی می کردند اما نیروی موتور سوار هار بودند و هر از گاهی تلاش می کردند که جمعیت را پراکنده کنند و زمانی که با باتوم جوانی را می زدند مردم دیگر هو می کردند و ماشینها بوق می زدند. مرد میانسال زحمتکشی در اتوبوس می گفت که صبح خیلی شلوغ بوده و افسری داشته جوانی را کتک می زده که او اعتراض می کند اما افسر ضربه ای هم به او می زند. او می گفت که اینها کارشان تمام است و مردم حقوق خودشان را می خوانند و ترسشان ریخته و دیگر به خانه ها بر نمی گردند. در این هنگام جوان ها پر شور حکومت را مسخره می کردند یکی می گفت قرار بود گل بدهند به دانشجویان اما دور از جونتان گه دادند همشان جیره خوار هستند و با این نیروهای سرکوب می گفتند، مرگ بر موتوری جیره خوار، یکی دیگر می گفت که اگر یکی به عباي خامنه ای ایراد بگیرد می بردنش زندان و اینها که می بینی لبنانی و فلسطینی -با اشاره به نیروهای سرکوبگر که با سپر ایستاده بودند- هستند و باید حسابشان را برسیم! یکی دیگر گفت که بابا فلسطینی ها هم از ما بدبخت تر هستند ما لاقل اتاقي داریم اما آنها همین را هم ندارند و بهر حال آنها هم انسانند اما اینها حیوانند و پول مردم را به باد می دهند. یکی دیگر گفت که الان فلسطینی های مقیم اروپا به ما ایرانی ها فحش می دهند چون حکومت ایران نیروهای مرتجعی را مانند حماس تقویت کرده و باعث سرافکنگی فلسطینی ها شده است.

پیرمردی می گفت خوبست که مردم به خیابان آمده اند اما متأسفانه جوان ها آگاهی کمی دارند مثلاً از يك جناح دفاع می کنند در حالیکه اینها همه مثل هم هستند. او با ناراحتی گفت که دولت حتی تحمل زنان داغدار در پارک لاله را که خواهان روشن شدن علت مرگ عزیزانشان در روز شنبه بودند را نداشته و تعدادی از آنها را دستگیر کرده است. هر بار که نیروهای انتظامی به کسی حمله می کردند مردم داخل اتوبوس یکصدا هو می کردند و فحش می دادند یکی می گفت الان مثل سال قبل از انقلاب است بزودی حکومت سرنگون می شود!

حدود ساعت هفت شب خیابان های اطراف دانشگاه تهران شبیه صحنه جنگ شده و دود گاز اشك آور همه جا را فرا گرفته و دانشجویان و زنان به سمت میدان آزادی می روند که دسته ای از موتوری ها بناگهان از پشت حمله می کنند و با باتوم یکی دو نفر را می زنند و با تیر مشقی سرو صدا ایجاد می کنند و جمعیت به آرامی پراکنده می شود. جمعیت پراکنده دور از چشم نیروهای سرکوب شعار مرگ بر دیکتاتور سر می دهند.

برنامه بیست و سی سیما و اخبار 9 شب عمدتاً تظاهرات عده ای طرفداران دولت درون دانشگاه را نشان داد که معلوم نبود کجا بود و در ضمن بخشی از تظاهرات دانشجویان مخالف دولت را هم نشان دادند که شعار می دادند استقلال آزادی جمهوری ایرانی و عکس خمینی را پاره کرده بودند و در جایی دیگر سطل های آشغال را آتش زده بودند.

کل حرف اخبار دولتی این بود که ماهیت واقعی 16 آذر ضد آمریکایی بودن آن بوده و بخشی از تظاهرات که مرگ بر روسیه می گفتند را نشان داد و بخشی از حرف های خمینی سی سال پیش را نشان داد که می گفت برخی مرگ بر شوروی می گویند که مرگ بر آمریکا ندهند. خلاصه خیمه شب بازی‌شان حد و مرزی ندارد.

بطور کلی روز مبارزاتی خوبی بود علیرغم کمتر شدن تعداد تظاهرکنندگان بنا بر اخبار و سخنان فعالین دانشجویی از لحاظ کیفی شعارها رشد خوبی داشته مثلاً يك فعال دانشجویی که از تهران با بی بی سی صحبت می کرد می گفت که شرکت زنان و ملیت ها با شعارهای خودشان چشمگیر بوده که نشان از مخالفت با تبعیض جنسیتی و قومی دارد.

بنا بر اخبار تا کنونی درگیرهای شدیدی در خیابان های اطراف دانشگاه رخ داده و دانشجویان و مردم با آجر به نیروهای سرکوب حمله کرده و در برخی جاها شعار مرگ بر خامنه ای می داده اند. در میدان ونك و خیابان ولیعصر نیز تجمعاتی بوده است.

در شهرهای مشهد و شیراز و اراك و اصفهان و شهر کرد و تبریز و قزوین و همدان در چند دانشگاه تجمعات ضد حکومتی رخ داده است.